

در حالی که در مورد ارگ بم صحبت می‌کنم، یک داستان جالب از تاریخ و فرهنگ ایران روایت می‌شود. ارگ بم، اون بزرگ‌ترین سازه ساخته شده از خشت‌ها در جهان، قرار داره. دلایل بسیاری وجود داره که این سازه به عنوان یک گنجینه ارزشمند از تاریخ و هنر ایران محسوب می‌شه.

این سازه در شهر تاریخی بم که در جنوب شرقی ایران واقع شده، قرار داره. یکی از جاهایی که باستانی‌ان ایران ازش به عنوان پایگاه مهمی در مسیر جاده ابریشم استفاده می‌کردن. حتا در فهرست میراث معنوی جهان به عنوان یکی از آثاری که باید حفظ بشه، ثبت شده.

از دوران دودمان ساسانیان به عنوان یک نقطه مهم در جاده ابریشم استفاده می‌شد. توی قرن‌های هفتم تا یازدهم، ارگ بم به یک مرکز تجاری پر رونق تبدیل شد و تجارت‌های مختلفی از جمله پنبه و پارچه‌های ابریشم در اینجا انجام می‌شد.

معماری ارگ بم هم واقعاً تحسین‌برانگیزه. این سازه بزرگ با بنای خشتی‌اش در دوره‌ای که هنر و مهارت ساخت این نوع سازه‌ها در بالاترین سطح بود، ساخته شده. ارگ در بالای یک تپه مصنوعی در ربع شمال غربی شهر قدیمی بم قرار داره، و این موقعیت هم نشون می‌ده که چقدر اهمیت استراتژیکی داشته.



متأسفانه بیشتر از ۸۰٪ از ارگ بم در زمین‌لرزه‌ای که در سال ۱۳۸۲ این منطقه رو تا لرزوند، خراب شده. اما خبر خوب اینکه که در حال حاضر در حال بازسازی و بیش از نیمی از این عجایب معماری باستانی بازساخت شدن.

من که اصلاً حس خوبی دارم که این تلاش‌های بازسازی در حال ادامه‌ی پیشرفتن هستن و امیدوارم که بزودی بتونیم همه‌ی زیبایی‌های ارگ بم رو دوباره تماشا کنیم. این سازه واقعاً یک قطعه زنده از تاریخ ماست که به نسل‌های آینده منتقل می‌شه.

ارگ بم کجاست؟

در جنوب شرق ایران، توی یه شهر زیبا به اسم کرمان، قلب و روح ارگ بم قرار داره. این آثار باستانی توی اون منطقه نزدیک رودخونه‌ی پشت‌رود واقع شدن. دیوارهای قدیمی شهر، داستان فرهنگ و تاریخ اونجا رو تعریف می‌کنن و تو اون دیوارها تاریخ‌نگاری دست‌نوشته‌ست. اونجا مناظر ایخچالهای باستانی و باغ‌های دلنشین محله‌ی باغ دروازه رو می‌بینی که به تاریخ‌های گذشته پرده برداشته. از سمت جنوب با محله‌ی حافظ آباد و پارک ارگ همسایه‌ست و از سمت شمال با محله‌ی مزار خواجه مراد اطرافش محصور شده.

ارگ بم، خزونه‌ی قدیمی اونجاست، یه شاهکار از گذشته که منتظرته تا داستانش رو بشنوی. تو اونجا می‌تونی توی این سنگها حس کنی که چه طور تاریخ به تاریخ‌های گذشته آسونی می‌کنه. منتظرتم تا تو اون آثار بازدید کنی و داستان‌هایی که در اونجا نهفته رو بشنوی.

آدرس: استان کرمان، شهر بم، خیابان بهمن



تاریخچه ارگ بم

همین اولش که درباره ارگ بم صحبت می‌کنیم، یه جورایی داریم به دوران‌های دیروز سفر می‌کنیم. دقیقاً به دوران باستانی هخامنشیان باز می‌گردیم. اون زمان‌ها، که هنوز ارگ بم تازه به وجود اومده بود، اصلاً تصور نمی‌کردیم که به چه شکلی به تکامل میرسه. ولی این شاهکاره تو طول چند صد سال بعد، تغییرات فراوانی رو تجربه کرد. اون دوره‌های اشکانی، سلجوقی و تیموری خیلی مهم بودن. این‌جا دوره‌های بزرگی از تکاملشون رو می‌بینیم.

یه چیزی که واقعاً جالبه، ترکیب عناصر مختلف در طراحی ارگ بمه. همون از ابتدا طراحشون شهر کاملی رو تو ذهنشون داشتن. اینجا مثل یه شهر کوچیکه، ولی به شکل یه دژ بزرگ و قوی ساخته شده. هدفش از همین طراحی، امنیت شهر و جلوگیری از نفوذ دشمن بوده. برج‌ها و باروهایی که داره و راه‌های مخفی در قسمت بالایی، همش نشون می‌ده که امنیت و دفاع در اولویت بوده.

یه نکته دیگه‌ای که به چشم می‌خوره، شباهت اینجا با تخت جمشیده. این قلعه روی تپه‌ای ساخته شده و نحوه ترکیب عناصر ساختمانی با محیط طبیعی اطرافش، خیلی به تخت جمشید شباهت داره.

در طول دوران اشکانی، ارگ بم رشد خودش رو پیدا کرد و تو مالکیت دولت ساسانی قرار گرفت. اونا اینجا رو اشغال کردن و همچنین استان کرمان رو کنترل کردن. ولی با عوامل جدید، اعراب پس از افت دولت ساسانی، تصمیم گرفتن به ارگ بم حمله کنن و خب، به طبع، به بنا آسیب زدن. اونوقت تو دوران امام علی (ع)، گروهی از خروجیان به اسم خوارج به کرمان فرار کردن و به ارگ بم پناه بردن. بعدش، یعقوب لیث صفاری، که حاکم منطقه شده بود، تونست این خروجیان رو شکست بده و کنترل ارگ بم رو بدست بیاره.

وقتی به دوران اسلامی می‌رسیم، شاهد توسعه شهر بم به عنوان یه بازار پرشور هستیم. توی نوشته‌های این دوره، تا سده دهم میلادی برمی‌گردیم. شهر در حال رشد و توسعه بوده و بازاری پرحرکت و پربندگی داشته. اطراف بازار، زمین‌های کشاورزی سرسبز و دست‌نخورده همراه باش هستن. پارچه‌های رنگارنگ از پنبه و درختان نخل، به منطقه جلوه و زندگی می‌بخشن.

دوره‌های بعدی هم، مثل دوره صفویان و قاجاریان، ارگ بم رو به عنوان یه مقصد استراتژیک در شرق ایران استفاده می‌کردن. از مغول‌ها تا صفویان و قاجاریان، همه از این عمارت زیبا به عنوان نمادی از اهمیت منطقه و مسیر تجاری که از ایران می‌گذشت، استفاده کردن.

اوایل ارگ بم، کلاً نمی‌دونستیم که چه طوری تکامل می‌کنه، ولی الان می‌بینیم که چقدر اهمیت تاریخی و فرهنگی داره. با وجود تغییرات زیاد، همچنان به عنوان نمادی از است



زلزله ارگ بم سال ۱۳۸۲

صبح پنجم دی‌ماه سال ۱۳۸۲، زمین‌لرزه‌ای خسارات بزرگی به شهر بم وارد کرد. این زلزله با قدرت ۶/۶ ریشتر به شدت شهر رو لرزوند و علاوه بر خسارات جانی و مالی، حدود ۸۰ درصد از ارگ بم رو هم تخریب کرد. خب، حالا فکر کنید اون محل تاریخی که سال‌ها و سال‌ها از گذشته باقی مونده بود، با یه لرزش زمین، ازمون گرفته شد.

این حادثه خیلی وضعیت رو بهم ریخت. ارگ بم، که خودش نماینده‌ای از فرهنگ و تاریخ منطقه بود، تا حدی تخریب شده بود که سازمان یونسکو اون رو تو فهرست "میراث در خطر" قرار داد. واقعاً نمی‌شد با این وضعیت از این بنا و ارزش‌هایش بگذریم.

پس از اون زمین‌لرزه، افراد و سازمان‌های مختلف از جمله سازمان جهانی یونسکو و کشورهای عضوش بودن، دست به کار شدن. همه با هم تصمیم گرفتیم که ارگ بم رو دوباره ساخته و اون رو از نابودی نجات بدیم. کشورهای مختلف همچون ژاپن، فرانسه و ایتالیا، به تامین کمک‌های مالی و فنی برای بازسازی ارگ پرداختن.

ژاپن از ته دل در این پروژه شرکت کرد. نه تنها پول زیادی برای بازسازی ارگ فرستاد، بلکه با ارائه تجهیزات و طرح‌های سه‌بعدی به پروژه کمک کرد. همچنین، ایتالیا هم با هزینه حدود ۵۰۰ هزار یورو در ترمیم یکی از برج‌های ارگ مشارکت کرد. فرانسه و بانک جهانی هم در فرآیند بازسازی نقش مهمی داشتند و با همکاری و تلاش‌های مشترک، ارگ بم رو از فهرست آثار در خطر یونسکو خارج کردیم.

این همه تلاش و همبستگی نشون می‌ده که ما می‌تونیم با دست هم دست بدهیم تا میراث‌های فرهنگی‌مون رو نجات بدیم. این ساختمان تاریخی با وجود تمام تغییرات و تحولات، هنوزم یه نماد ارزش‌های تاریخی‌مونه که باید حفظش کنیم و بهش احترام بذاریم.



ارگ بم امروز

از زمان اون زلزله واجب که شهر بم رو تکان داد، خیلی سالا گذشته. ولی تلاش‌های قابل تحسینی برای نگهداری از میراث فرهنگی انجام شده که ارگ تاریخی رو بازسازی و مرمت کنن. وقتی گردشگرا به دروازه اصلی ارگ نگاه می‌کنن، به راحتی می‌تونن تصور کنن که این ساختمان با این همه شکوه و قدرت، از اون زلزله به درد نخورده. این احساس بهترین جزئیات در فرآیند بازسازی و نگهداری اصلی رو نشون می‌ده، جز خشت‌هایی که دوباره ساخته شدن.

الآن که مسیرها کاملا بازسازی شدن، حرکت داخلی خیلی راحت‌تر شده. حتی با این همه تغییرات و بهبودها، هویت تاریخی ارگ حفظ شده و در برابر هیچ آسیبی قائل نمی‌شه. این بازسازی با استفاده از استانداردهای جهانی تازه انجام شده و از لحاظ ساختاری هم تقویت شده. حالا گردشگرا می‌تونن با آرومی و راحتی از زیبایی‌های این ساختمان تاریخی لذت ببرن، مثل دوران گذشته. چی جالبه اینجا اینه که تنهای درختان خرما که داخل دو برج نگهبان ارگ بودن، اون زمان زلزله به عنوان یه جور حافظه زنده و پنهانی از گذشته، باعث کمتر شدن آسیبا شدن.

طراوتی که ارگ بم به دور خودش داده، تا حدودی جریان تاریخی و فرهنگی منطقه رو با گام‌های جدید ترکیب کرده. این ساختمان فقط یه ساختار نیست، بلکه یه جاذبه از انسجام بین گذشته و حاله که افتخار زیادی بهمون میده.



معماری ارگ بم

واقعاً، وقتی به شکل و ساختار ارگ بم نگاه می‌کنی، حس می‌کنی که این قلعه چیزی بیش از یک ساختمان عادی. به نظر می‌رسد طراحان و معمارانش از اولین قدم تا آخرین کار، به نقشه دقیق از شهر رو تو ذهنشون داشته باشن. واقعاً ارگ بم مثل یه شهر کوچکه، با این تفاوت که به شکل یه دژ غول‌پیکر و خونگرم ساخته شده. دلیلش هم اینه که هم امنیت شهر رو تضمین کنه و هم از تهدید دشمن جلوگیری کنه. وجود برج‌ها و باروها توی این قلعه، همچنین راه‌های مخفی و مختصر برای فرماندهان نظامی بالایی، نشون می‌ده که امنیت اینجا توی اوجش بوده.

پژوهش‌ها نشون می‌ده که ارگ بم با الگوهای معماری شهرهای هییوداموسیک (شطرنجی) توی مناطق آسیای میانه و بین‌النهرین تا حد زیادی همخوانی داره. این قلعه بر اساس روشی که مادها و پارتیان معمولاً ازش استفاده می‌کنن، روی یه تپه بلند ساخته شده. این تنظیمات هم که هم دسترسی آسون دشمن رو مهار می‌کنه و هم امکان نظارت بر مناطق اطراف رو ممکن می‌کنه. همچنین ترتیب محلات مسکونی و ارتباط بینشون، به همراه قرارگیری سازه‌ها روی شیب‌های تپه و در آخر ساخت یه

عمارت زیبا در قسمت بالایی‌تر، همه به نشون دادن از برنامه‌ریزی دقیق در طراحی شهری و معماری این قلعه می‌پردازن.

ارگ بم با استفاده از موادی مثل خشت، لاشه سنگ، گاه و خشت خام ساخته شده و از طراحی‌هایی برای سیستم تهویه و رطوبتش استفاده کرده. در منطقه‌ای که خشک و گرمه، این قلعه به بازی با باد و ترکیبش با آب روی آورده که محیط داخلی رو تحت کنترل داشته باشه. طراحان با انتخاب مکانی که بادش بیشتره، تهویه مناسب و تامین آب رو برای این قلعه فراهم کردن و باد از طریق فضاها و دالان‌ها وارد ساختمان می‌شد که دماش پائین بیاد.

در کل، از همه این داستان‌ها و جزئیات می‌شه حس کرد که سازندگان ارگ بم واقعاً با دقت و خلاقیت زیادی این قلعه رو طراحی و احیاناً ساختن. همچنین، این قلعه تبدیل به یه قلعه محکم و شگفت‌انگیز شده که حتی توی دوران قاجار هم به عنوان "قلعه‌ی خدای آفریده" شناخته می‌شده. واقعاً این ساختمان نه فقط تاریخیه، بلکه یه اثر هنری و مهندسی فوق‌العاده که ما رو به داستان‌های عمیق‌تر از خلاقیت و استعداد انسانی می‌کشونه.



قسمت های مختلف ارگ بم

اصطبل

میدونی، توی محوطه‌ی اصطبل ارگ بم، جایی بوده که حدود ۲۰۰ اسب قرار می‌گرفته، خب اینکه چقدر اسب! و این محوطه توی ورودی دروازه دوم شهر قرار داشته که هنوز هم آخورها و حوض آبش باقی‌مونده. این اصطبل واقعاً یکی از زیباترین قسمت‌های ارگ به حساب میاد، چون با گچبری‌های زیبا از دوره مغول و تیموری تزئین شده.

خب، اون تصویر رو تو ذهنت تداعی کن، اونجا که این همه اسب قرار می‌گیرن، دلمون برای اون اون همه اسب‌های زیبا تنگ می‌شه. در واقع، این قسمت با اون آب‌ها و آخورهاش، به شدت نشون می‌ده که چقدر در گذشته مراقبت و توجه به جزئیات مهم بوده. اون همه زمان و زحمتی که برای تزئینش با گچبری‌های دوره مغول و تیموری صرف شده، نشون می‌ده که این اصطبل برای مردم اون دوران مهم بوده و بهش ارزش داده می‌شده.

اینم یه قسمت دیگه از داستان ارگ بم که نشون می‌ده چه قدر این بنا به اهمیت خاصی برخورد کرده و چقدر هر قسمتش با دقت و عشق به زندگی درآورده شده.



خندق

اطراف قلعه بم به خندقی وجود داره که دقیقاً برای تقویت دفاع و مقابله با دشمن طراحی شده. واقعاً این نشون می‌ده که معماران اون زمان ایران چقدر باهوش بودن، به خصوص که این خندق رو به طور هوشمندانه تو مسیر یه رودخونه قرار دادن.

اینجوری براشون مهم نبود که خندق براشون یه معماری تزئینی باشه. آنها به دقت این کار رو انجام دادن تا دفاع قوی‌تری رو امکان‌پذیر کنن. به وضوح، این نشون می‌ده که همه جزئیات از جمله موقعیت خندق و حتی مسیر نهر رو در نظر گرفته بودن تا به بهترین شکل ممکن از منطقه استفاده کنن.



حصارها

یک نکته‌ی شگفت‌انگیز درباره‌ی ارگ بم اینه که چهار حصار محافظتی داره که هر کدوم ویژگی‌های خودشون رو دارن. اون اولین حصار که ۱۸ متر ارتفاع داره، نقش پرستاره‌ای رو داشته و به مردم اجازه نمی‌داد تا هجوم دشمن به شهر برسه. در بعضی نقاط حتی پهنایش به ۶ متر هم می‌رسید. یعنی بزرگ بودن حصار اصلی برای محافظت از مردم و اهالی شهر واقعاً اهمیت داشته.

یه جنبه دیگه‌ای که توی این حصارها بود، برج‌های دیدبانی بودن. این برج‌ها بهشون اضافه شده بود که به جز اینکه استحکام حصار رو افزایش می‌دادن، محلی برای نگهبانی و نظارت بر منطقه بودن. اینطوری نه تنها امنیت حفظ می‌شد، بلکه ماموران و نگهبانان هم مکانی برای استراحت داشتند.

و یه چیز دیگه هم هست، دور حصار بیرونی ارگ با یه خندق احاطه شده بود. این به اضافه‌ی حصار، امکان دسترسی دشمن رو خیلی سخت‌تر می‌کرد. وقتی به این نکات فکر می‌کنی، می‌بینی که طراحان ارگ بم واقعاً به جزئیات امنیتی و استحکام‌بخشی اهمیت دادن و اینقدر خوب طراحی کردن که حتی الان هم هنوز ما رو معجب می‌کنه.



دروازه ها

به دروازه‌های شهر، با توجه به نیازهای مختلف طبقاتی و همچنین جهت دفاعی، پرداخته بودن. اصلاحات اولیه شهر شامل یک حصار ایمن با چهار دروازه بزرگ بوده است.

یکی از این دروازه‌ها به بازار ارگ برده می‌شد و این مسیر تا حالا تا امروز باقی مانده که می‌شه آثار دکان‌های قدیمیش رو هم توش دید. در دروازه دوم، که در شمال قلعه و در منطقه کت‌کرم (خانه‌کرم) قرار داره، همچنان قطعه‌هایی ازش باقی‌مانده که به نظر می‌رسه بعد از ایجاد حصار قلعه، به طور کامل مسدود شده.

این دروازه‌ها طوری طراحی شده بودن که بعد از بسته شدن، واقعاً امکان ورود هیچ حیوان یا انسانی به داخلشون وجود نداشت. از طرفی، حیوانات اهلی، چاه‌های آب و باغ‌های داخل قلعه، به مردم این امکان رو می‌داد که به مدت طولانی زمان در پشت دروازه‌های بسته زندگی کنن.

کلیتش اینه که دروازه‌ها به طرزی ذکیانه طراحی شده بودن که هم نیازهای مختلف رو برآورده کنن و هم امنیت رو حفظ کنن. وقتی این همه جزئیات رو به نظر می‌بری، واقعاً به دهها سال تجربه و دقت که در طراحی این ساختمان تلف شده، تعجب می‌کنی.



مسجد

مسجد جامع، یکی از مهم‌ترین و بزرگترین ساختمان‌های ارگ بم بوده که برای مردم اونجا خیلی ارزشمند بوده. دقیقاً اینجا بود که در روزهای دوشنبه و جمعه، مردم شمع روشن می‌کردن و نذرهایشون رو انجام می‌دادن تا آرزوهایشون برآورده بشه. در حین مرمت ارگ بم، جعبه‌های شمعی با شمع‌های داخلش پیدا شدن که سنگینی تاریخی‌شون به دوره پیش از انقلاب برمی‌گشت.

قبل از اونکه صفویه بیاندازن تو این داستان، مسجد جامع و حسینیه برای عرضه و نمایش اجناس تجاری مورد استفاده قرار می‌گرفتن.



عجایب ارگ بم

بادگیرها

یه چیزی که واقعاً عجیبه درباره زندگی توی ارگ بم، اینه که چطور مردم اون زمان تحمل هوای خیلی گرم اون منطقه رو می‌کردن؟ داخل معماری هر خونه، بادگیری وجود داشت که باد رو به داخل ساختمان هدایت می‌کرد و مثل یه کولر طبیعی عمل می‌کرد. جالبه که توی خونه‌های بزرگ‌تر و مهم‌تر، از بادگیرهای چهارسازه‌ای استفاده می‌شد و توی خونه‌های کوچیک‌تر از بادگیرهای تکی استفاده می‌شد تا باد از جهات مختلف وارد خونه بشه.

محل دروازه اصلی هم باعث می‌شد که بادهای شدید بیرون قلعه بره. یه نکته دیگه هم اینه که توی مسیر باد، حوضچه‌های کوچک قرار داشتن که به جز خنک‌کردن هوا، خاک و گردوخاک رو هم از بین می‌برد. اینم یه نشونه از اون هنر و شیوه‌ی ساختمونی منحصربه‌فرد ارگ بمه.



گورستان دیواری کودکان

بعد از زلزله سال ۱۳۸۲، اتفاقی پیش اومد که واقعاً چشم‌هامون رو به حال خودشون باز کرد. این زلزله باعث شد که قسمتی از دیوارهای ارگ بم خراب بشن و استخوان‌ها از توی این دیوارها بیرون درآین. جالبه که تحقیقات نشون داد که تعدادی از این استخوان‌ها جسد ۶۸ کودک و نوزاد بودن. بر اساس تحقیقات، این جسدها مربوط به چندین سال پیشه، ولی بعد از زلزله بم دوباره بعضی از جسد‌های کودکان توی دیوارهای ارگ دفن شدن، به این شکل قلعه ارگ بم تبدیل به یه گورستان زنده کودکان شده.

خب، این قضیه باورکردنی نیست که اینجا یه گورستان کودکان تشکیل شده. انگار از دوران صفوی تا الان این قلعه برای دفن کودکان استفاده می‌شده. از اونجایی که تعدادی از این کودکان دارای گیره‌های پلاستیکی بند ناف بودن، به نظر می‌رسه که این اجساد معاصر هستن. احتمالاً مردمان گذشته با آیین‌های مختلف تو این قلعه زندگی می‌کردن و به دلایلی از جمله دینی، غیرمسلمان‌ها نمی‌تونستن جسد خودشونو کنار مسلمانان بدفن کنن. این یکی از دلایلیه که ممکنه باعث شده بچه‌ها رو توی دیوارهای ارگ بم دفن کنن.

البته نظریه‌های دیگه‌ای هم وجود داره. مثلاً ادعا می‌شه که این جسدها به دوران مرمت حصار ارگ پس از حمله افغان‌ها تا دوره قاجار برمی‌گرده. در این زمان درگیری‌های کمتری تو این منطقه وجود داشته. واقعیت پسر بودن همه این کودکان ممکنه یه ارتباطی با یه رسم پسرکشی در دوره‌ای از تاریخ ایران داشته باشه.

راجب دیواره‌ها هم میشه گفت که جاهای مختلفی رو برای دفن کودکان استفاده کردن. برخی از بچه‌ها رو به طور کامل توی خشت‌ها جا دادن و خشت‌ها تبدیل به تابوتشون شده. بعضی از اجساد هم بین خشت‌ها گذاشته شده و در روش سوم که به بچه‌های معاصر تعلق داره، اجساد رو روی هم و پشت دیوار دفن کردن و بعداً با یه پوشش پنهون کردنشون.

واقعاً این داستان‌ها نشون می‌دن که ارگ بم یه تاریخچه چندلایه داره که نشون می‌ده که این قلعه نه فقط یه ساختمان تاریخیه، بلکه توی خودش داستان‌های عمیقی از زندگی و رسوم‌های مختلف انسانی رو نگه داشته.

شعر زیبا در باره ارگ بم

من ارگ بم و خشت به خستم متلاشی

تو نقش جهان ، هر وجبت ترمه و کاشی

این تاول و تبخال و دهان سوختگی‌ها

از آه زیاد است ، نه از خوردن آشی

از تُنگ پریدیم به امید رهایی

ناکام تقلایی و بیهوده تلاشی

یک بار شده بر جگرم زخم نکاری؟

یک بار شده روی لبم بغض نیاشی؟

هر بار دلم رفت و نگاهی به تو کردم

بر گونه‌ی سرخابیات افتاد خراشی
از شوق هم‌آغوشی و از حسرت دیدار
بایست بمیریم چه باشی چه نباشی